

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید

۱۶ اکتوبر ۲۰۱۱

حرفی چند با محترم سمین بارکزی

هموطن عزیز، بعد از یک مدت اندیشیدن همه جانبه پیرامون تصمیم تان به این نتیجه رسیده ام که با همه حرف ها و سخن ها، کار شما که به نوع خود یکی از شجاعانه ترین، شریفانه ترین و قانونی ترین کار ها علیه نظام سر تا پا فساد و دهشت است قوی ترین ضربه را به پیکر نظام مربوط به یک مشت زورگویان قانون شکن و خود سر وارد نموده است.

خیلی ها در مورد بی قانونی و فساد و خود سری های جباران حاکم بر سرنوشت مردم و کم و کاست ها نوشته اند و خیلی ها هم لب به انتقاد باز نموده اند، اما رسوائی را که اعتصاب شما برای گروه بدنام حکومتگر فعلی به بار آورده است شاید هیچ نوشته و سخن و عملی به بار نیاورده باشد. من ضمن این که این کار شما را تأیید می کنم دو نکته را می خواهم به عرض برسانم:

۱- شما در جایی از نوشته " انگیزه اعتصاب من " نوشته می کنید:

"مبارزه من برای پاسداری از حق، عدالت و آزادی انسان این سر زمین و نسل های بعد از من است." آیا این حرف درست است؟ می بخشید که این سؤال را وقتی می کنم که شما را نباید با طرح چنین سؤال ها ناراحت کرد، ولی از آنجائی که نمی دانم پایان کار اعتصاب شما چگونه خواهد بود و شما تا کجا در این تصمیم تان پایدار هستید - که امیدوارم به پایان زندگی تان نینجامد - ناچار باید این سؤال را از شما زمانی بکنم که شما قادر به خواندن یا شنیدن آن باشید. باز هم همان سؤال را تکرار می کنم: آیا شما واقعاً برای آزادی و عدالت و حق انسان های این سرزمین مبارزه می کنید یا تنها برای حق از دست رفته خویش است که به چنین عملی دست می زنید؟ ببینید ما در تاریخ کم و بیش طولانی خویش صدا های اعتراض آمیز زیادی را شنیده ایم که صاحبان آن ها، تنها وقتی این صدا های اعتراض آمیز را بلند نموده اند که حقوق یا مزایائی را که قبلاً داشته اند، از دست داده اند.

خوشحال خان ختک تا زمانی که در سرزمین آبائی اش تیولدار شاه جهان است و در خدمت شاه جهان قرار دارد هیچ مخالفتی با خانواده و حاکمیت مغولی ندارد، اما همین که اورنگ زیب که خواهان سلطنت بعد از پدر است، ولی پدرش داراشکوه را به جانشینی خویش انتخاب نموده بود، علیه پدر طغیان می کند و پدر را شکست داده در

کاخ آگره زندانی می سازد و خود بر اریکه قدرت می نشیند و خوشحال خان را از وظیفه سبکدوش می کند - چون خوشحال خان در زمان پادشاهی شاه جهان مطابق فیصله شاه به نفع دارا شکوه برادر بزرگ اورنگ زیب رأی داده بود - مخالفت وی با اورنگ زیب به نام آزادی و استقلال و ملت و مردم آغاز می یابد. تا قبل از این تصمیم اورنگ زیب نه حرفی از آزادی و استقلال است و نه نامی از ملت و مردم.

در زمان خود ما هم هستند کسانی که می توان آن ها را به عنوان نمونه مثال داد. به حیات سیاسی دوران وزارت خارجه آقای عبدالله عبدالله و دوران ریاست امنیت ملی آقای صالح نگاه کنید! تا زمانی که در کرسی های شان قرار دارند هیچ نوع مخالفتی از این ها با "کرزی" و حاکمیت به مشاهده نمی رسد، اما همین که از وظایف شان برکنار می گردند همه اعتراضات و مخالفت ها، همه مردم خواهی ها و همه بدی های دولت و همه دموکراسی طلبی و چه و چه یک شبه مانند سمارق از زمین سر بیرون می کنند. آیا چنان دگرگونی در امور دولت و در شخصیت اشخاصی نامبرده در یک شب می تواند به وجود بیاید که یک انسان را در یک شب یکصد و هشتاد درجه تغییر بدهد؟

نظامی که کرزی در رأس آن قرار دارد از روزی که بر سر کار آمده تا همین امروز نظام زورگویان فاسد و جنایت پیشه و وابسته به دول خارجی است. چور و چپاول در آن وجود داشته و وجود دارد؛ مردم را اختطاف می کنند؛ دختران و پسران و زنان مردم مورد تجاوز قرار می گیرند؛ سرمایه و دارائی و مال و ملک و زمین مردم را به زور غصب می کنند؛ بی کفایت ترین انسان ها بر سر قدرت هستند؛ به جانپان و قاتلان هزار ها انسان - به جای این که محاکمه شوند و به جزای اعمال ناشایست شان برسند - بالاترین احترام ها گذاشته می شود و بالاترین مناصب تفویض می گردد، به حق و حقوق هیچ انسانی توجه و احترام گذاشته نمی شود و ... چه تغییری در ماهیت این نظام قبل از این که شما خود را کاندید کنید و بعد از این که شما را از پارلمان بیرون کردند به وجود آمده است؟ اگر آنطوری که شما می گوئید: "مبارزه من برای پاسداری از حق، عدالت و آزادی انسان این سر زمین و نسل های بعد از من است" چرا به چنین کاری قبل بر این که شما را از پارلمان خارج کنند دست نزدید؟ شما فکر می کنید که در انتخابات قبلی و انتخابات قبل بر آن همه کار ها به طور عادلانه پیش رفته بود و همه کسانی که به پارلمان راه یافتند واقعاً کسانی بوده اند که مستحق بودند و رأی لازم را برده بودند؟

آیا در آن وقت و در این زمینه و ده ها مورد دیگر جنایت و خیانت و فساد و وجود نداشت و حق مردم تلف نشده و خویش خوری ها صورت نگرفته بود؟ چرا در آن زمان و زمان های دیگر برای "پاسداری از حق، عدالت و آزادی انسان های این سرزمین" به چنین کاری که امروز دست زده اید دست نزدید؟ آیا به نظر شما وقتی که ده ها جنایت پیشه از طریق همین خانه ای که شما آن را "خانه ملت" می نامید باوجودی که همه ملت را به خاک و خون کشیدند و در ماتم ابدی نشانند خود را برانند دادند لزوم چنین اعتراضی که شما امروز به آن زبان گشوده و دست زده اید دیده نمی شد؟

به نظر من بهتر بود که شما این کارتان را به همان ظلمی که به شما شده است و خود در جای خود کاری است زشت و قابل تقبیح و اعتراض، مشخص می کردید.

این نوع اعتراض در جای خود اعتراض قابل تأیید، اعتراض به جا و عمل بی نظیر و پاسخ کوبنده علیه حکومت و بی قانونی و سلطه یک تعداد اوباش بر سرنوشت مردم بود و بدون تردید تأثیرات خود را خواهی نخواهی در بعد وسیعی در کشور و در جهان بجا می گذاشت. شما برای دفاع از حق مسلم تان در برابر حکومت زر و زور و تزویر قدری راست نموه اید. این خود حرفی است بسیار بسیار کلان! بهتر بود نام مردم را در این عمل که بنابر دلایل

یاد شده در کل یک مسأله شخصی بود به میان نمی آوردید. ای کاش شما این اعتصاب را زمانی که دختر آن مرد بینوا در اندخوی و در بدخشان و در تخار و ... مورد تجاوز درنده خویان قرار گرفت و دولت هم هیچ کاری برای حمایت از آن دختر انجام نداد یا در وقتی که زنی مانند ملالی از پارلمان اخراج می شد و یا ده ها عمل غیرقانونی و غیر انسانی دیگر، انجام می دادید. در آن صورت هیچ احتیاجی به این نبود که از مردم نام ببرید، زیرا خود عمل شما گویای مقصد تان می بود. با آنهم امیدوارم من در مورد شما اشتباه کرده باشم!

۲- مسأله دوم این است که آیا شما در زندگی تنها هستید؟ کسانی که ازدواج می کنند و زندگی خانوادگی تشکیل می دهند با امضاء یک سند به خصوص بعد از پیدا کردن اطفال خاصاً زمانی که اطفال شان در سنین پائین قرار دارند و به مادر و پدر نیازمندند حق ندارند در مورد زندگی و مرگ خویش خودشان به تنهایی تصمیم بگیرند. گذشته از این آیا شما فکر نمی کنید که یک انسان درستکار و مبارز زنده در شرایطی که کشور ما قرار دارد بیشتر به درد این خاک و این ملت می خورد تا یک انسان مرده؟ خوب فکر بکنید! شما با این عمل تان به قدر کافی اعمال غیرقانونی و خلاف موازین حقوق بشر و دموکراسی این نظام بدنام را به انظار مردم جهان به نمایش گذاشته اید؛ ولی به یقین صد هزار کار نادرست و ناپسند دیگری هم وجود دارد که باید به آن ها اعتراض شود و هر یک هم به رخ نظام کشیده شود و هم به مردم کشور و به مردم جهان نمایانده شود. این کار را که باید بکند؟

چند نفر انسانی که واقعاً در فکر اصلاح جامعه و بهبود اوضاع این کشور و رفاه مردم و استقرار عدالت و حکومت قانون هستند به نظر شما در کشور - انسانی که بدون مدعا باشد - وجود دارد؟ فکر می کنم که با چراغ " دیوجانس" حکیم هم اگر بگردی شاید چند ده تائی را پیدا نکنی که واقعاً و تنها در فکر این ملت و این کشور باشند. پس اگر هوای ملت و مردم و کشور و آزادی و حقوق و قانون و ... را در سر داری باید برای همین مردم و همین آرزو ها زنده بمانی و برز می و صد ها و هزار ها انسان دردمند را با مبارزه های واقعاً مردمی ات به دنبال بکشی! شکست ها را مانند اطفال یتیم هیچ کسی به آغوش نمی کشد. شما اگر دو باره هم به پارلمان راه بیابید در این پارلمانی که تقریباً همه لاشخوران در آنجا تصمیم می گیرند آن کاری را که باید بکنید و بدان هدفی که باید برسید شاید مانند ملالی جویا نتوانید انجام بدهید و به آن هدف برسید، ولی در خارج پارلمان با چنان جدیت و قاطعیت و ابتکاری که شما دارید شاید کارهای زیادی را انجام بدهید؛ از جمله قادر شوید که حداقل همان روحیه ای را که طرفداران آن مرد مبارز هندی - آقای هزاری - داشتند به آن هائی که به شما رأی داده اند و رأی می دهند تزریق کنید و ایشان را به پشتیبانی هدفمند، راستین و قاطع خود متقاعد سازید.

این ملت را شما و امثال شما ها باید به پا ایستاده کنید، به راه بیندازید و به پیروزی برسانید. این کار را تنها وقتی که زنده باشید می توانید بکنید. مرگ تان را این ملت به خصوص تا زمانی که سیاستمداران به اصطلاح جهادی و طالبی بر اریکه قدرت نشسته اند - که به یقین در صورتی که مبارزانی مانند شما میدان را با مرگ یا در زندگی به اینها خالی کنند این ها باز هم زنده خواهند بود و در قدرت باقی خواهند ماند - چنانچه مرگ ده ها تا را فراموش کرده است با تأسف طی یکی دو سالی در زیر میلیون ها سخن و سخن پردازی ها فراموش خواهد کرد و راه شما خلاف آنچه شما فکر می کنید بی رهرو باقی خواهد ماند. پس هستی را با هستی ات بیافزین. در نیستی و با نیستی چیزی آفریده نمی شود! کسانی که این حرف را فراموش کنند خود فراموش می شوند!